

انجمن در خانه بسمل
دایر می شده است و
معروف ترین چهره های
شرکت کننده در آن،
صابر شیرازی تمام
کننده مثنوی ناتمام
فرهاد و شیرین وحشی
یاقفی و رضاعلی خان
هدایت بوده اند



انجمن های ادبی در دارالادب ایران

مروری بر وضعیت مهم ترین انجمن های ادبی شیراز

شیراز، یکی از مراکز مهم ادبی و دارالادب ایران است که محافل ادبی در آن، همواره با شکوه و پر رونق مشغول فعالیت بوده و هستند. گواهی های تاریخی به ما می گوید که از گذشته ای دور در شیراز مجامع ادبی تشکیل می شده است. از جمله در روزگار نادری، باغات شیراز محل اجتماع شاعران و اهل ذوق بوده است. میرزا محمد کلاتر در روزنامه خود در این باره می نویسد: اوقات فراغت با قانعا، آقا صادق، میرزا شاه میر، شیخ محمد جبل آملی، میرزا محمد تقی ولد مرحوم امیر اکبر تاوه، میرزا جانی، کوچک خان و سایر احباب در باغات و تکایا به سر می بردیم و مدام به شعر و لغز و معما مشغول بودیم». (۱) در دوران کریم خان زند نیز که شیراز در اوج آبادانی و شکوه بود، این محافل با شکوه تر از گذشته بر گزار می گردید.

در ادامه به ذکر مختصری از فعال ترین و معروف ترین انجمن های ادبی شیراز می پردازیم.

انجمن صباحی

این انجمن را حاج سلیمان صباحی بیدگلی، از اعضای انجمن مشتاق و از مروجان بازگشت ادبی در زمان کریم خان زند و در مدت اقامتش در شیراز تشکیل داد. محمد صادق منشی موسوی اصفهانی متخلص به نامی، عبدالرزاق دنبلی متخلص به مفتون، میرزا نصیر اصفهانی سراینده مثنوی معروف «پیر و جوان»، هاتف اصفهانی، و آذر بیگدلی از اعضای سر شناس شرکت کننده در این انجمن بودند. (۲)

انجمن وفا

وفا، تخلص میرزا محمد حسین فراهانی، وزیر لطفعلی خان زند بود. وی شاعری خوش ذوق و لطیف گوی بود. وی در ایام صدارت خویش، انجمنی ادبی تشکیل داده بود که به طور مرتب هر شب در خانه اش دایر می شد و در آن شماری از شاعران و خوانندگان و نوازندگان حضور می یافتند. در این محفل، شاعران به مشاعره می پرداختند و خوانندگان و نوازندگان با ساز و آواز خویش رونق بخش محفل می گردیدند. در این انجمن تقریباً تمام شعرها با آواز و همراه با صدای ساز خوانده می شده و خواندن قطعاتی از شاهنامه یا غزلیاتی از حافظ و سعدی از دیگر فعالیت های این انجمن بوده است. محمد حسن فراهانی برادر وفا، میرزا عبدالکریم بن علیرضای شیرازی، نویسنده «ذیل اول تاریخ گیتی گشا»، محمدرضای شیرازی نویسنده «ذیل دوم تاریخ گیتی گشا»، ابراهیم انور پسر کریم خان زند و فتحعلی خان صبای کاشانی از اعضای این انجمن ادبی بوده اند. نویسنده «حدیقه الشعراء» ذیل احوال شیدای شیرازی، حکایتی از یکی از جلسات این محفل آورده است که ذکر آن در اینجا بی مناسبت نیست. او می گوید: «وقتی میرزا حسین فراهانی وزیر شبها شعرا را بار دادی، اول غزلی از عاشق اصفهانی خواندی و پس غزلی که خود جواب او گفته بود آغاز کردی. شیدا به رفیقان التماس کرد که شبی او را با خود ببرند تا اشعار عاشق را تقبیح و ابیات وزیر را تحسین نماید و بدینوسیله سودی برد. برفت و پهلوی هادی بیگ شایق تخلص بنشست. در اواخر شب که اول صحبت شعر شد، خواب تریاک بر او غلبه کرد. هادی بیگ را گفت وقتی وزیر اشعار عاشق را می خواند مرا اشعاری کن. شایق در وقت ذکر عاشق ساکت شد. وقتی بر سر شعر خود رفت، دستی به پهلوی شیدا آشنا کرد. غافل و بی خبر و نادانسته تکذیب کرد که بسیار بد گفته، وزیر ملتفت نشد یا اعتنا نکرده شعر دیگر خواند. این بار صدا را بلندتر کرده گفت: بد گفته تا چشمش کور شود. وزیر متغیر شده او را خواست اذیت نماید و از مجلس بیرون کند. رفقا بخندیدند و حقیقت حال باز نمودند» (۳)



انجمن عالی

میرزا محمد حسین عالی (م ۱۲۴۶ ق)، فرزند میرزا محمد کلانتر، نویسنده روزنامه کلانتر بود. وی شاعری خوش طبع و خوشنویسی چیره دست بود و در جمع شعرای زمانش سمت استادی داشت. بنا به قول هدایت در «مجمع الفصحا»، «مجمعش مرجع شعرا و عرفا و مجلسش مجمع فضلا وادبا بود.» حج علی اکبر خان بسمل، میرزا فضل الله خاوری، میرزا احمدروشن، حاجی شیخ محمد ساغر، محمد مهدی خان متخلص به سخنه، حسن علیخان طایر، میرزا محمدعلی گلشن، پدر قائی، میرزا شفیع وصال و رضاقلی خان هدایت، از جمله شعرای محفل وی بودند. (۴)

انجمن بسمل

انجمن ادبی حاج علی اکبرخان بسمل (۱۱۸۷-۱۲۶۳ ه.ق) یکی دیگر از انجمن‌های ادبی قرن سیزدهم شیراز بود. این انجمن در خانه بسمل دایر می‌شده است و معروف ترین چهره‌های شرکت کننده در آن، صابر شیرازی تمام کننده مثنوی ناتمام فرهاد و شیرین وحشی بافقی و رضاقلی خان هدایت بوده‌اند. (۵)

انجمن سخنوران وصال

میرزا شفیع، معروف به میرزا کوچک (۱۱۹۲-۱۲۶۲ ه.ق) شاعر، نویسنده، خوشنویس، موسیقیدان و عارف نامدار شیرازی، بنیانگذار یکی دیگر از انجمن‌های ادبی شیراز در قرن سیزدهم هجری بود. این محفل ادبی که بنام‌های «انجمن سخنوران» و «بزم ادبی وصال» مشهور بود، در خانه وصال و روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته تشکیل می‌گردید. در انجمن سخنوران، تعدادی شاعر خوشنویس تربیت شدند که از مفاخر روزگار خود بودند و از میان آنان، به این افراد می‌توان اشاره کرد: قائی، دیوان بیگی نویسنده تذکره حدیقه الشعراء، همای شیرازی، صابر شیرازی، توحید، میرزا اسدالله خوشنویس، حجاب، نیری، داوری و... (۶)

در انجمن وصال، کارهایی از قبیل طرح شعر و استقبال از غزلیات و قصاید شاعران بزرگ و استادان معروف، تصحیح شعر، تصحیح دیوان سایر شعراء نقد ادبی و تمرین انشا انجام می‌گردید. دیوان بیگی، ذیل گزارش احوال او می‌نویسد: «مکرر در خدمتش بودم و می‌دیدم جوانان اشعار بد گفته می‌آوردند و در حضورش می‌خواندند. بعد از آن که کمال تحسین می‌فرمود، می‌گفت: ای فرزند! گوش بده اگر در جای این کلمه، فلان را می‌گفتی شجرت بهتر می‌شد و هم‌چنین تا آخر اشعار او را تبدیل می‌فرمود.»

حوزه ادبی وصال

پس از درگذشت وصال شیرازی، سه تن از فرزندان وی، راه پدر را در تشکیل انجمن ادبی ادامه دادند و در همان خانه وصال، انجمنی ادبی را به نام «حوزه ادبی وصال» دایر نمودند. وقار، نخستین فرزند وصال بود که راه پدر را در تشکیل انجمن ادبی ادامه داد. پس از وقار، ابوالقاسم فرهنگ، چهارمین فرزند وصال اقدام به برگزاری انجمن ادبی در خانه پدری کرد

و پس از فرهنگ، یزدانی ششمین فرزند وصال برگزار کننده و اداره کننده انجمن حوزه ادبی وصال بود. در هر حال، خاندان وصال شیرازی یکی از خاندان‌های فضل و هنر در قرن سیزدهم و چهاردهم در ایران است که خدمات ارزنده‌ای را در راه تعالی هنر شعر وادب فارسی انجام دادند و آخرین ستارگان آن هنوز در آسمان ادب فارسی پرتو افشانی می‌کنند.

انجمن داور

شیخ محمد مفید شیرازی (۱۲۵۱-۱۳۲۵ ه.ق) متخلص به «داور» و نویسنده تذکره «مرآت الفصاحه»، یکی از مشاهیر علمای قرن سیزدهم شیراز بود. وی دارای طبعی لطیف و ذوقی پرورده بود. او در زاویه‌ای از بارگاه شاهچراغ انجمنی ادبی برگزار می‌کرد که شاعران آن روزگار شیراز، هم‌چون میرزا ابراهیم ساکت، محمد تقی سحاب، میرزا لطف‌الله سهیل، حسنعلی قصاب، میرزا محمد قدسی و شیخ عبدالحی واثق فرزند داور در آن شرکت می‌کردند. یکی از کارهای انجمن داور، تصحیح اشعار و شرح مشکلات دیوان حافظ بود. (۷)

انجمن فرصت

میرزا محمد نصیر، ملقب به فرصه الدوله (۱۲۷۱-۱۳۳۹ ه.ق)، از مشاهیر قرن سیزدهم شیراز بود که در اکثر علوم رایج در روزگار خود، از قبیل حکمت، ریاضی، تاریخ و جغرافیا و هنرهای شاعری، نویسندگی، موسیقی و نقاشی دستی تمام داشت. فرصت با زبان انگلیسی آشنا و در رشته‌های مختلف صاحب تألیف بود. (۸) وی از شاگردان شیخ مفید بود و مدت‌ها در محفل ادبی وی شرکت می‌کرد. فرصت در شیراز محفلی ادبی برپا کرد که شاعران شیراز در آن حاضر می‌شدند و به مشاعره و مناظره و مشق شعر و فنون ادب می‌پرداختند. از اعضای انجمن فرصت، عکسی به یادگار مانده است که در سال ۱۳۱۵ به وسیله میرزا حسن عکاس ملقب به چهره‌نگار گرفته شده است. فرصت در معرفی کسانی که در عکس حاضرند، قصیده‌ای سروده است که به توجه به اهمیت آن نقل می‌شود:

تبارک الله از این صفحه‌ی خجسته مثال

که کلک صنع نبندد دگر چنین تمثال

نیاورند دگر چار مام و هفت پدر

یکی چون ده و دو زادگان بفضل و هنر

فراز کرسی یک صف نموده‌اند جلوس

به غیر من همه نیکو نهاد و نیک خصال

به پیش کرسی یک‌رسته کرده‌اند قعود

خلاف من همه روشندل شگرف خصال

ترا که ناظر آن مجلسی اگر باید

خبر ز جمله القاب این بزرگ رجال

کنم صفت ز نخستین صفت که هشت تن‌اند

ز ابتدای یمین تا به انتهای شمال

یکی نثار بود بخردی که بر نظمش

نثار کردن جان است افضل الاعمال

دگر بصیر خردمند حضرت قدسی

در انجمن وصال
کارهایی از قبیل طرح
شعر و استقبال از غزلیات
و قصاید شاعران بزرگ
و استادان معروف
تصحیح شعر، تصحیح
دیوان سایر شعراء، نقد
ادبی و تمرین انشا
انجام می‌گردید.



از فعالیت‌های انجمن
شوریده، تصحیح کلیات
سعدي بود که میرزا
محمود ادیب می‌خواند
و شوریده نظر می‌داد
و ادیب با خط خوش
می‌نوشت

که هست پایه‌ی قدرش برون ز حد خیال
دگر یگانه دهر ایزدی که ملک سخن
مسخرش بود از فیض ایزد متعال
دگر حکیم سخندان جناب آسوده
که سوده بر قدمش هرلیب روی سنوال
دگر منم یک از ایشان که فرصتم خوانند
ولی بدرگه‌شان کمتر از تراب نعال
دگر وحید زمان فیلسوف دانشور
صدیق نیک سیر صادق عدیم مثال
دگر نوا که بود تاج اهل سخن
بجای نظم فشانده گهر ز درج مقال
دگر شعاع که طبع بلند روشن اوست
چو آفتاب فروزان ولی برون ز زوال
کنون ز چار تن دیگر از نشان خواهی
بدین وتیره و ترتیب گویمت الحال
مظفر است نخستین که اندر این میدان
مظفرست به هر کوست خصم زشت فعال
دگر حسن که بطبع حسان و خط حسن
کسش نبود نظیر و کسش نبود همال
دگر فریفته دل شیفته‌که چون خورشید
بود رفیع مکان بر سپهر عز و جلال
دگر فصیحی آن شاعر فصیح زبان
که در محامد اوصاف اوست ناطقه لال
به حرف اول القابشان فزا رجبی
که تا بدانی تاریخ ماه، هجری سال (۹)

دارالادب شوریده

حاج محمد تقی شیرازی (۱۲۷۴-۱۳۱۴ه.ق.)، متخلص به شوریده و

ملقب به فصیح‌الملک، یکی از شاعران برجسته قرن سیزدهم هجری ایران است. نسب شوریده به اهلی شیرازی صاحب مثنوی معروف «سحر حلال» میرسد. وی در خانه خود در شهر شیراز، انجمنی مرکب از شاعران و ادیبان و اهل فضل و ادب تشکیل داد که هر هفته عصرهای جمعه برگزار می‌گردید. شوریده نام محفل و حوزه ادبی خود را «دارالادب» نهاده بود. شرکت‌کنندگان محفل شوریده، اغلب اینان بودند: میرزا محمود ادیب، میرزا اسماعیل خائف، میرزا حسن چهره‌نگار متخلص به کاتب، نویسنده کتاب قانون سخن درباره دستور زبان فارسی، یزدانی، شیخ

۳۰



شماره ۶۸
زمستان ۱۳۸۸

الرئیس ابوالحسن میرزا حیرت و...

یکی از فعالیت‌های انجمن شوریده، تصحیح کلیات سعدي بود که میرزا محمود ادیب می‌خواند و شوریده نظر می‌داد و ادیب با خط خوش می‌نوشت. (۱۰)

انجمن سالار

یکی از انجمن‌های ادبی که در آخرین سال‌های مورد بحث ما در شیراز تأسیس شد، انجمن سالار بود. این انجمن در سال هزار و سیصد و پنج شمسی توسط ناصر شیرازی ملقب به سالار، فرزند میرزا علیخان یکی از مردان سیاست و ادب فارس تشکیل گردید. این انجمن هفته‌ای یکبار در خانه سالار دایر می‌شد و تا سال هزار سیصد و چهارده، که سالار از شیراز به تهران رفت ادامه داشت. سالار به سبب علاقه فراوان به سرزمین فارس، نام انجمن را به «انجمن فارس» تغییر داد. انجمن فارس بعد از سفر سالار تعطیل نشد و با نام انجمن ادب فارس، تحت ریاست شادروان روحانی وصال به فعالیت ادامه داد و هفته‌ای دوشب در خانه آقای روحانی وصال تشکیل می‌گردید.

در انجمن سالار یا ادب فارس، شخصیت‌های بسیار برجسته‌ای حضور داشته‌اند که از میان آنها می‌توان به این افراد اشاره کرد: آزاد معدلی؛ اخگر، مدیر روزنامه اخگر؛ محمد حسین استخر، حسنعلی حکمت متخلص به «بخرد»؛ برادر علی اصغر حکمت و انتشار دهنده روزنامه فکاهی ظریف، و مجلات گفتار راست، آئینه، کارون و فارسنامه؛ عبدالحسین بهمنی؛ بهاءالدین حسام‌زاده بازارگاد مدیر روزنامه خورشید ایران؛ آیت‌الله حاج شیخ یوسف حدائق؛ سید محمد ملقب به فصیح الزمان و متخلص به رضوانی؛ دکتر سیدعلی شایگان، وزیر فرهنگ در کابینه قوام السلطنه و از بنیانگذاران جبهه ملی؛ دکتر لطفعلی صورتگر، استاد دانشکده ادبیات تهران؛ حبیب‌الله ملقب به عمادالکتاب و متخلص به عماد. (۱۱)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- روزنامه میرزا کلاتر، به نقل از: انجمن‌های ادبی شیراز، حسن امداد، ص ۴۹.
- ۲- همان، ص ۵۵.
- ۳- دیوان‌یکمی شیرازی، حدیقه‌الشعراء ج ۲، صص ۹۳۶-۹۳۷.
- ۴- انجمن‌های ادبی شیراز، حسن امداد، ص ۸۱.
- ۵- همان، ص ۹۷.
- ۶- همان، ص ۱۱۸.
- ۷- انجمن‌های ادبی شیراز، حسن امداد، ص ۲۲۱.
- ۸- خاتمی، احمد، تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، ج ۲، ص ۳۷۴.
- ۹- انجمن‌های ادبی شیراز، حسن امداد، ص ۳۳۳.
- ۱۰- همان، ص ۳۳۳.
- ۱۱- همان، ص ۳۳۹.

